



مقام فقر در اشعار فخرالدین عراقی

حلیمه میرکازهی نژاد^۱، حبیبه ملازهی پسکوه^۲

^۱ دانشگاه سیستان و بلوچستان ، mirkazei.h3531@gmail.com

^۲ دانشگاه سیستان و بلوچستان ، molazei2619@gmail.com

چکیده

عراقی عارف به نام فرهنگ ایرانی است. در سلوک و طریقت خود کوشش می‌کند که معنای عرفان واقعی را در میان آدمیان گسترش دهد. عراقی با سلاح فکر و اندیشه و زبان خود پای در میدانی می‌گذارد که دیگر شاعران و عارفان برای نمایان کردن چهره واقعی سالک، کوشیده‌اند در واقع سخنان و اشعار او بازتاب اعتقادات دیگر عارفان و شاعران می‌باشد که در باب عرفان و به خصوص در مورد مقام فقر، سخن‌ها رانده‌اند. در این پژوهش می‌کوشیم تا چهره و معنای واقعی سالک فقیر را نمایان کنیم. در واقع سالک درویش ژنده‌پوش و با ظاهری زار و نزار است و خلعتی کهنه به تن دارد اما درون خلعت او پر از نور الهی و قرب و معناهای حقیقی می‌باشد. فقر یکی از پر بسامدترین واژگان است که در شعر و سخن عارفان نمود پیدا می‌کند و عارف از دنیا و متاع دنیا روی گردان است و نیاز او فقط به سوی اله است و گاهی مسکین و مفلس خوانده می‌شود و این صفتی است که خود به آن فخر می‌ورزند. در این پژوهش بر آن شدیم که مقام فقر را در اشعار عراقی بررسی نماییم و بدانیم عراقی با چه عناوینی از این مقام یاد کرده و عاقبت عارفان فقیر را چگونه بیان کرده و نیاز آن‌ها را چه دانسته است.

واژه‌های کلیدی: مقام فقر، عرفان، دیوان فخرالدین عراقی، شاعران عارف

مقدمه

و در اغلب متون عرفانی کاربردی وسیع و چند سویه دارد؛ به این معنا که فقر از آن بنده است و در مقابل آن، غنا مختص باری تعالی است. گاهی پرتگاه هلاکت و گاهی مایه نازش و قرب به خداست. در نزد عرفا، هفت مقام مشهور هستند که این هفت مقام هر کدام اهمیت بسزایی دارند و عبارت هستند از: توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل، رضا. یکی از واژه‌های قاموسی صوفیه که بیشتر اصطلاحات خود را با زبانی ویژه بیان می‌کردند «تا نااهل و غیرصوفی نتوانند از سخنان آنان چیزی دریاب» [1] ند. فقر می‌باشد و حقیقت فقر، نیازمندی است زیرا بنده همواره نیازمند می‌باشد و غنی و بی‌نیازی فقط سزاوار ذات باری تعالی می‌باشد. همانگونه که حق تعالی فرمودند: «يا أيها الناس أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنی» الحمید (فاطر: ۱۵). در کتب عرفانی حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «الفقر فخری و به افتخر» [2]

عرفان نظری و عملی

در تعریف عرفان چنان که گفته‌اند راه و روشی است که طالبان حق برای نیل به مطلوب و شناسایی حق برمی‌گزینند. عرفان خود بر دو نوع است؛ عرفان عملی یعنی سیر و سلوک، وصول و فنا. عرفان نظری یعنی بیان ضوابط و روش‌های کشف و شهود. [3] عرفان که در قرن دوم در آثار سنایی به اوج خود می‌رسد و بسیاری از مسائل را تحت لوای خود قرار می‌دهد و این مسائل هم به اندیشه انسان و هم به کردار و رفتار آن‌ها برمی‌گردد. در عرفان تفکرات و اعمالی که سبب قرب ب حق و رسیدن به کمال می‌باشند به عنوان مراحل و مقام یاد می‌شوند. عرفان خود به نظری و عملی تقسیم می‌گردد.

عرفان که به دو شاخه علمی و نظری تقسیم می‌گردد و عرفان نظری به اندیشه‌های برمی‌گردد و عرفان عملی آنچنان که از اسمش هویداست به طی مراحل برای رسیدن به کمالات، اطلاق می‌شود، حائز اهمیت قرار می‌گیرد. فقر نیز اگر حقیقی باشد و انتخاب اختیاری خود سالک، مرحله‌ای که در رسیدن به کمال مهم است. فقر از اصطلاحات بنیادین در تعلیمات صوفیه است. به همین جهت در تصوف تعاریف و تعبیر متعددی از آن شده است. سیمای فقرا نیز به عنوان صاحبان صفت فقر در قرآن و احادیث نبوی و سخنان مشایخ به نیکی انعکاس یافته است. فقر را می‌توان به سه دسته فقر حقیقی، فقر شرعی (مالی) و فقر صوفیانه تقسیم کرد. فقر صوفیانه، که موضوع اصلی این پژوهش است، فقری است آگاهانه و هدف دار و از روی اختیار که برای درک حقیقت فقر از سوی سالک راه حق انتخاب می‌شود. صوفیه علاوه بر این که فقر را از مقامات دانسته‌اند، آن را مقامی الهی برشمرده‌اند که خداوند آن را به دوستان خود پیشکش می‌کند. فقر در کتب صوفیه در کنار اصطلاحاتی چون غنا و فنا و بقا آمده است. زیرا در فقر حقیقی سالک وقتی به این مقام می‌رسد به مقام فنای فی الله رسیده و این مقام نیز آغاز مقام بقا بالله است. فقرا دارای رتبه و درجات یکسانی نیستند و مشایخ صوفیه ایشان را از دیدگاه‌هایی طبقه‌بندی نموده‌اند. در متون صوفیه فقیران واقعی با صفاتی چون بذل، صبر، شکر، رضا، تواضع و نیز حجاب زدایی معرفی شده‌اند. اکثر مشایخ صوفیه فقر را بر غنا رجحان می‌نهند و اکابرشان فضیلت را در صبر و شکر و رضای خداوند و عدم حرص و غفلت می‌دانند نه در اسم فقر و توانگری. فقر در حوزه عرفان فراتر از معنای لفظی و حقیقی‌اش است